

اعتدال، امنیت اجتماعی و پلیس جامعه محور

رستم علی اکبری^۱، محمد جواد جعفری^۲، بهمن کرمی کیا^۳، مجتبی کنجوری^۴

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه ی متقابل و دو سویه ی اعتدال و امنیت اجتماعی می پردازد، و نقش رویکرد اعتدالی پلیس جامعه محور را در برقراری نظم و امنیت اجتماعی مورد ارزیابی قرار می دهد. اعتدال و امنیت دو مفهوم اساسی و بنیادین به ویژه در نظام اسلامی محسوب می شوند و هر دو از فضایل عالی و مطلوب هر جامعه ای محسوب می گردند. منظور از اعتدال در این پژوهش میانروی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط می باشد، چرا که اعتدال دارای مفهومی گسترده می باشد و تمامی زمینه ها را در بر می گیرد. ارتباط بین اعتدال و امنیت اجتماعی بر پایه ی تعامل و تقابل دو سویه می باشد؛ بدین صورت که اعتدال سبب تأمین امنیت در جامعه می شود و از طرف دیگر وجود امنیت در جامعه زمینه ساز و بستر ساز اعتدال در جامعه است. پلیس جامعه محور نیز که وظیفه ی برقراری نظم و امنیت اجتماعی در جامعه را برعهده دارد، می تواند با اتخاذ یک رویکرد مبتنی بر اعتدال (پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در انجام وظایف محوله) در برقراری نظم و امنیت اجتماعی و با تأکید بر نقش و مشارکت فعال شهروندان گامی مؤثر در جهت برقراری نظم و امنیت اجتماعی در جامعه بر دارد.

واژه های کلیدی: اعتدال، امنیت اجتماعی، پلیس جامعه محور، تعامل، رویکرد مبتنی بر اعتدال.

مقدمه

اعتدال و عدالت از جمله مباحث نظری اساسی است که تمام زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار داده است. امنیت نیز به عنوان یکی از ابتدایی ترین و ضروری ترین نیازهای بشر محسوب می شود، توجه به عدالت می تواند زمینه ساز امنیت بهتر و مناسب تر در اجتماع باشد. اعتدال و عدالت به عنوان اساسی ترین پایه و اساس استمرار امنیت اجتماعی محسوب می گردد. همچنین

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه. rostamaliakbari.phd@gmail.com

^۲ دکتری حقوق عمومی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه dr.jafari14@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز bahman.karami.kia@gmail.com

^۴ کارشناس حقوق دانشگاه پیام نور واحد کرمانشاه mojtaba.kanjori@gmail.com

همانگونه که می‌دانیم انسان موجودی اجتماعی است و به همین جهت در راستای تأمین نیازهای مختلف مادی، اجتماعی، روحی و روانی خود نیازمند ارتباط با سایر هم‌نوعان خود می‌باشد، بدین ترتیب بقای نوع انسان در گرو بقای جامعه ای است که در آن زندگی می‌کند. از سوی دیگر زندگی اجتماعی نیازمند نظم و امنیت است و این درجه ی نیازمندی به حدی است که هیچ جامعه ای بدون نظم و امنیت قادر به ادامه حیات خود نمی‌باشد. بنابراین، تلاش در برقراری نظم و امنیت اجتماعی جزء اولین تلاش های جوامع بشری در هر زمانی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه مقوله نظم و امنیت، بیش از هر مقوله اجتماعی دیگر، مقوله ای عمومی و مردمی است، سازمان پلیس به‌عنوان سازمانی که مسئولیت سنگینی در حوزه برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی برعهده دارد، نه تنها از این قاعده مستثنی نبوده بلکه بیش از هر سازمان دیگری نیازمند توجه به اعتدال مبتنی بر رویکرد جامعه محور می‌باشد، چرا که پلیس جامعه محور به‌صورت مستقیم با مردم در ارتباط بوده و رعایت اعتدال در انجام وظایف محوله در عرصه اجتماع نه تنها تضمین کننده امنیت اجتماعی است بلکه اعتماد عمومی را نسبت به عملکرد پلیس به همراه خواهد داشت. بدین ترتیب و با توجه به مطالبی که در فوق عنوان گردید می‌توان گفت که اعتدال از مازومات پلیس جامعه محور در برقراری نظم و امنیت اجتماعی محسوب می‌شود.

بیان مسئله

عدالت و امنیت دو مفهوم بنیادین در اندیشه سیاسی، خصوصاً اندیشه سیاسی اسلام به شمار می‌روند. این دو مفهوم، مفاهیم آشنا در عرصه حکومت هستند و حکومت‌ها به تناسب شرایط و مقتضیات محیطی و ایده‌ها و نگرش‌ها یک یا هر دو این مفاهیم را در پهنه ی مفاهیم استراتژیک خود جای داده اند (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). آنچه که بدیهی می‌باشد این است که مقوله عدالت و امنیت از جمله موضوعات بسیار مهم به شمار می‌آیند و درارتباط با موضوع رابطه و نسبت اعتدال و امنیت اجتماعی و نقش پلیس جامعه محور در تحقق این موارد به چه شکلی بایستی باشد، می‌توان دو فرضیه مهم را مطرح کرد: اول آنکه، عدالت مرکز ثقل و دال مرکزی امنیت (بویژه امنیت اجتماعی) است؛ یعنی بدون وجود اعتدال، امنیت سست پایه و بدون نقطه اتکاء به شمار می‌رود. فرضیه دومی که در این خصوص می‌توان مطرح کرد این است که عدالت یک راهبرد امنیتی است. به معنای آنکه می‌توان از عدالت برای تأمین و توسعه ی امنیت اجتماعی به منزله ی یک راهبرد بسیار مهم و حیاتی استفاده نمود و نقش پلیس جامعه محور در تحقق این هدف به‌عنوان یک سازمان و نهاد درگیر در حوزه ی برقراری نظم و امنیت اجتماعی پررنگ جلوه می‌نماید. بدین ترتیب در این مقاله ابتدا به بررسی اعتدال، خطوط و ویژگی های آن پرداخته خواهد شد و سپس امنیت اجتماعی و رویکرد پلیس جامعه محور در زمینه برقراری امنیت اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

هدف تحقیق

در واقع هدف از این تحقیق بررسی ارتباط و نسبت بین اعتدال و امنیت اجتماعی با رویکرد مداخله پلیس جامعه محور در تحقق هدف بالا رفتن ضریب امنیت اجتماعی و جلب اعتماد عمومی با توجه به وظایف پلیس جامعه محور می‌باشد.

پرسش های تحقیق

۱ بین امنیت اجتماعی و اعتدال چه ارتباط و نسبتی وجود دارد؟

۲ نقش پلیس جامعه محور در برقراری امنیت اجتماعی مبتنی بر رویکرد اعتدال محور چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی - اسنادی (کتابخانه ای) می‌باشد و منابع مورد استفاده اعم از کتب، مجلات و اطلاعات مندرج بر روی سایت ها و خبرگزاری ها ابتدا جمع آوری شده و پس از مطالعه و تجزیه و تحلیل در متن تحقیق منعکس گردیده اند.

تعریف مفاهیم کلیدی

در این قسمت به تعریف مفاهیم کلیدی موضوع تحقیق پرداخته خواهد شد:

اعتدال: اعتدال در واقع به معنای «میانروی و میانه» است (عبدی، شمس الواعظین و محبیان، ۱۳۸۷: ۷۴۱). البته اعتدال دایره وسیعی دارد و در یک مورد خاص محدود نمی‌باشد. در باب گستره ی اعتدال، می‌توان به اعتدال در اصول اعتقادی، درمناسک و عبادات، در برنامه های اخلاقی، در ملاحظات اجتماعی و سیاسی، در مسائل خانوادگی و... اشاره کرد. (همان، ۷۴۲).

امنیت اجتماعی: در فرهنگ آکسفورد امنیت اجتماعی عبارت است از: «ارتباط و ساخت امنیت با جامعه به گونه سازمان دهی شده یا امنیتی که شکل و ساخت اجتماعی یافته است» (آقایی و تیمور تاش، ۱۳۸۹: ۱۰).

پلیس جامعه محور: فریدمن^۴ تعریف جامعی از پلیس جامعه محور ارائه داده است وی پلیس جامعه محور را اینگونه تعریف نموده نموده است: «پلیس جامعه محور عبارت است از: زاهدرد و خط مشی، با هدف دستیابی به کنترل مؤثر کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بیشتر پلیس، سهیم شدن فعال تر و بیشتر جامعه در فرآیند تصمیم گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی های مردم است». (عبدی، ۱۳۸۳: ۱۸).

ویژگی ها، مبانی و خطوط کلی اعتدال در اسلام

¹ Moderation.

² Social Security.

³ Community-Oriented Policing

⁴ Friedman.

- ۱ شناخت همه‌جانبه و بالنده اسلام با این اوصاف و ویژگی‌ها که در بر گیرنده: عقاید و جهان بینی، احکام و قانونگذاری، علم و عمل، عبادات و معاملات، ارزشهای اخلاقی و توانمندی‌های بشری، فرهنگ و فرهیختگی، دعوت و دولت، دین و دنیا و تمدن و امت می‌باشد.
 - ۲ ایمان به مرجعیت و محوریت قرآن (وحی الهی) و سنت نبوی در عرصه‌ی قانونگذاری، برنامه‌ریزی و ساماندهی زندگی، همراه با ضرورت معرفت (نصوص جزئی) قرآن و سنت در پرتو اهداف و مقاصد کلی اسلام.
 - ۳ ضرورت معرفت روح و ماهیت باورها و ارزش‌ها، بیش و پیش از توجه به شکل و ظاهر آنها.
 - ۴ شناخت جایگاه عقل و خردورزی در فهم دین و زندگی.
 - ۵ سازگاری و هم‌آوایی میان مادیت و معنویت، دنیا و آخرت، ربانیت و انسانیت.
 - ۶ دعوت و فراخوانی حکیمانه و خردمندانه و نصیحت و دلسوزی دردمندانه و دلیرانه اهل ایمان و گفتگو و دیالوگ با مخالفان و دگراندیشان با بهره‌گیری از بهترین راهکارها.
 - ۷ تأکید بر نهادینه کردن و عملیاتی کردن اصول و ارزش‌های انسانی و اجتماعی مانند: عدالت و دادگری، احسان (نیکوکاری، خیرخواهی و عملکرد درست)، شورا، حق انتخاب و حفظ حقوق و کرامت انسان و....
 - ۸ ثبات و پایداری در عرصه مبانی و مقاصد و انعطاف و تغییر و تنوع‌پذیری در میدان ابزارها و راهکارها.
 - ۹ ایجاد سازگاری و هماهنگی میان ثوابت شریعت و متغیرات و تحولات زمان.
 - ۱۰ آشتی دادن میان دلبستگی و وابستگی به اهل ایمان.
 - ۱۱ ضرورت اهتمام به اصل جهاد و مقاومت. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۸).
 - ۱۲ تلاش تدریجی و خردمندانه در عرصه‌های دعوت، تبلیغ، فتوا، تعلیم و اصلاح.
 - ۱۳ تعاون و همکاری میان گرایش‌ها و جماعت‌های مسلمان بر پایه‌ی موارد توافق.
 - ۱۴ رفتار و تعامل متمدنانه و دادگرانه با زنان و مراعات حقوق آنان.
 - ۱۵ اعتراف و مراعات حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی و تعامل با آنها بر اساس اصل خیرخواهی و برادری بشری.
 - ۱۶ ضرورت تلاش در جهت تجدید دین از درون و احیای فریضه‌ی اجتهاد در حدود چارچوب آن.
 - ۱۷ تلاش جدی در جهت تدوین فقه قرآنی و نبوی جدید.
 - ۱۸ بهره‌گیری بهینه از برترین راهکارهای ارزشی موجود در تجارب علمی، میراث تاریخی و فرهنگ و تمدن اسلامی.
 - ۱۹ انسجام و هماهنگی میان اتکاء به گذشته و الهام گرفتن از آن، و تدبیر و برنامه‌ریزی برای حال و آینده (همان).
- همانگونه که ملاحظه می‌گردد اعتدال و میانه‌روی در اسلام دایره‌ی استعمال آن گسترده بوده و همه جنبه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و.... را شامل می‌شود. امنیت چه در بعد سیاسی و چه در بعد اجتماعی جزء حوزه‌های مدنظر اعتدال در یک جامعه‌ی اسلامی می‌باشد.

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از مهمترین تمهیدات در راستای حفظ حیات گروه های اجتماعی در مقابل قدرت برتر و انحصاری که نمایندگی آن را دولت به دوش می کشد و همچنین ایجاد زمینه ای برای برخورداری گروه های مختلف اجتماعی از فرصت ها، امکانات و تسهیلات به‌منظور دستیابی به اهداف کارکردی خویش، مطرح شده است (نویسنده، ۱۳۸۵: ۵۳).

مفهوم امنیت اجتماعی که از اوایل دهه ی ۱۹۹۰ میلادی و با آراء متفکران موسوم به مکتب کپنهاگ وارد مطالعات استراتژیک و امنیت ملی شد، راه را برای بررسی های جدید و بسط و طرح ابعاد جدیدی از مفهوم امنیت گشود. می‌توان مدعی شد که مفاهیمی نظیر امنیت وجودی، محصول بسط و توسعه مفهوم امنیت اجتماعی و اعتقاد به تکوین و شکل‌گیری اجتماعی امنیت، تهدید و نظایر آنها بوده است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۶۶).

امنیت اجتماعی را «ویور»^۱ اینگونه تعریف می‌نماید: «توانایی هر جامعه برای تدویم بخشیدن به خصیصه ی ذاتی خویش به عبارت دیگر، هویت موضوع اصلی (waever 1993:23)، محتمل تحت شرایط متحول و در مقابل تهدیدات بالقوه امنیت اجتماعی است و حفظ امنیت اجتماعی به معنای آن است که جامعه درمقابل تهدیداتی که متوجه بقای خویش (Buzan et al, 1998:119-120) درمقام جامعه میداند، احساس ناامنی نکند. البته، از نظر «بوزان»^۲ و همکارانش رویکردهای مربوط به امنیت اجتماعی، دو رویکرد نسبت به امنیت اجتماعی وجود دارند این رویکردها عبارتند از: ۱ رویکرد سنتی مربوط به امنیت اجتماعی و ۲ رویکرد مدرن مربوط به امنیت اجتماعی، که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

رویکرد سنتی امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به بقای اعضای جامعه توجه دارد و آن دسته از عوامل فیزیکی و مادی که بقای جامعه را تهدید کند به‌عنوان تهدیدی برای امنیت اجتماعی تلقی می‌شود. در این بعد از امنیت، امنیت اجتماعی با حفظ و بقای زندگی مطرح می‌شود، یعنی باید زندگی اعضای جامعه حفظ شود و بدین ترتیب نیازمند حذف یا حداقل کاهش عواملی هستیم که حفظ و بقای زندگی را تهدید می‌کند و روند استمرار حیات را مختل می‌کند. بنابراین هر آنچه که مخل نظم زندگی جاری شود می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای جامعه تلقی شود. «باری بوزان» معتقد است که امنیت به مدد سیستم های نظارتی قدرتمند برقرار می‌شود، بنابراین به میزان کاهش قدرت نیروی نظارتی و مشروعیت اعمال قدرت سیستم های نظارتی، امنیت هم کاهش می‌یابد (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۰). بنابراین در رویکرد سنتی، هر آنچه که بقای جامعه را در بعد مادی و فیزیکی تأمین می‌کند امنیت محسوب می‌شود.

¹ Waever.

² Buzan.

رویکرد مدرن امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به کیفیت بقای اعضای جامعه توجه دارد و برخی عوامل معنوی و فرهنگی که موجب آسیب پذیری شیوه های گوناگون زندگی می شود به منزله تهدید به شمار می رود (سام آرام، ۱۳۸۸: ۲۰). امنیت اجتماعی در تعریف مدرن آن بر حفظ و نگهداری احساس تعلق یا همان احساس ما بودن نظارت دارد، زیرا حراست و نگهداری از احساس ما بودن در حفظ جامعه نقش دارد و اگر این احساس حفظ شود افراد جامعه نسبت به مشکلات و مسائل جامعه احساس تعهد و تکلیف می کنند.

پلیس جامعه محور

از آنجا که مقوله نظم و امنیت، بیش از هر مقوله ی اجتماعی دیگر، مقوله ای عمومی و مردمی است، سازمان پلیس به عنوان سازمانی که مسئولیت سنگینی در حوزه ی برقراری نظم و امنیت اجتماعی برعهده دارد، نه تنها از این قاعده مستثنی نبوده بلکه بیش از هر سازمان و نهاد دیگری نیازمند توجه به رویکرد جامعه محوری است. همچنین پلیس جامعه محور دارای خصوصیات و ویژگی های خاصی می باشد که از جمله این ویژگی ها می توان به تأمین امنیت عمومی و نظم اجتماعی با مشارکت مردم، تلاش برای حل مسئله، روی آوردن به آموزش همگانی و ... اشاره نمود.

مفهوم پلیس جامعه محور

رویکرد جامعه محوری پلیس اشاره به ارتباط و حمایت دو سویه سازمان پلیس و جامعه دارد. از یک سو، سازمان پلیس در تعامل با جامعه، دیدگاه آحاد مختلف مردم در خصوص نیازهای واقعی خود در حوزه نظم و امنیت را می سنجد و از نتایج این سنجش در برنامه ریزی و ارائه ی خدمات انتظامی بهتر به مردم استفاده می کند. ضمن اینکه با مردم بودن و جلب اعتماد عمومی نسبت به سازمان پلیس، موجب همکاری و مشارکت عمومی با این سازمان در برقراری نظم و امنیت اجتماعی می شود. از سوی دیگر، جامعه نیز در تعامل با پلیس، دیدگاه های مختلف خود را در خصوص نیازهای واقعی حوزه نظم و امنیت به این سازمان منعکس نموده و آن را در تحقق اهداف خدمت رسانی اش یاری می رساند. (وروایی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). بدین ترتیب، می توان رویکرد جامعه محوری پلیس را نوعی استراتژی سازمان پلیس دانست که بر دو پایه اصلی استوار است. اولین پایه ی این استراتژی را برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور امکان خدمتگزاری بهتر به مردم تشکیل می دهد. دومین پایه ی استراتژی جامعه محوری پلیس، عمومی تلقی نمودن مقوله نظم و امنیت اجتماعی است، بدین معنا که پلیس نه می خواهد و نه می تواند به تنهایی نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید. در واقع رویکرد جامعه محوری پلیس نوعی فلسفه و اعتقاد است مبنی بر اینکه چون مقوله نظم و امنیت مقوله هایی عمومی هستند، دستیابی به آنها نیازمند همکاری مشترک پلیس و جامعه است (همان، ۱۳۰۰).

اهداف پلیس جامعه محور

منظور و هدف اصلی پلیس جامعه محور این است که پلیس با مشارکت جدی، هدفمند و برنامه ریزی شده اقداماتی را به عمل آورد که جرمی صورت نگیرد، به عبارتی، کانون های جرم خیز شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. منظور از پلیس جامعه محور این نیست که مأمورین را به عنوان مراقبین در گوشه و کنار جامعه در همسایگی ها به نحوی از انحاء قرار دهیم، بلکه منظور این است که همکاری پلیس با مردم جامعه و مشارکت مردم در اجرای امور انتظامی بوده و لذا جامعه با این همکاری ها قدم هایی به نفع خود برمی دارد و به علاوه، همکاری بین این دو و بسیج کردن منابع در حل مسائل مقطعی و جزئی که فی المثل پلیس از راه می رسد و مسئله را برطرف می کند. (قهرمانی و ابطحی، ۱۳۸۹: ۶۲).

ارتباط اعتدال با امنیت اجتماعی

عدالت و امنیت دو مفهوم بنیادین در اندیشه ی سیاسی، خصوصاً اندیشه ی سیاسی اسلام به شمار می روند. هر دو از فضایل عالی بوده و مطلوب جوامع مختلف هستند. در کلامی زیبا از امام صادق (ع) سه چیز از نیازهای ضروری انسان بر شمرده شده است: ۱ امنیت ۲ عدالت ۳ رفاه (مروتی، ۱۳۸۹: ۳۲۰).

بین عدالت و امنیت تعامل و تقابل دو سویه وجود دارد؛ بدین صورت که عدالت موجب تأمین امنیت و از مهم ترین عوامل ایجاد آن به شمار می آید و در نقطه ی مقابل، امنیت نیز بستری مناسب جهت اجرای عدالت محسوب می گردد. در خصوص اهمیت امنیت و عدالت آیات زیادی در قرآن کریم به این فضایل اشاره نموده اند و روایات متعددی از سوی ائمه درباره ی اهمیت و ضرورت وجود عدالت و امنیت در جامعه وارد شده است. که از جمله ی این روایات می توان به روایتی زیبا از امیر مؤمنان علی (ع) اشاره نمود که ایشان می فرمایند: «امنیت گوارترین نعمت در زندگی است». (برزگری، ۱۳۹۴: ۲). با توجه به مطالبی که در فوق عنوان گردید، می توان گفت رابطه ی بین عدالت و امنیت یک رابطه ی دو سویه و متقابل است؛ بدین معنا که عدالت سبب تأمین امنیت می شود و از طرف دیگر، امنیت بسترساز عدالت در جامعه است. عدالت در واقع به عنوان مهم ترین عامل ایجادکننده ی امنیت اجتماعی در جامعه محسوب می شود. و این مسأله همان تعریف عدالت واقعی در نظام اسلامی می باشد. در نامه ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر نیز به نقش عدالت در تأمین امنیت اشاره شده است (شهیدی، ۱۳۸۸: ۹۸۸). در روایتی دیگر امام علی (ع)، عدالت را مایه ی پایداری و قوام و اصالت و تضمین امنیت می دانند (ری شهری، ۱۳۶۲: ۹۰). بنابراین از دیدگاه اسلام همانگونه که عدالت زمینه ساز برقراری امنیت در جامعه محسوب می شود، امنیت نیز، به عنوان بستری مناسب به منظور اجرای بهتر عدالت محسوب می گردد. در فضای ناامن و هرج و مرج گونه هرگز نمی توان دست به اجرای عدالت زد و عملی شدن آن غیرممکن به نظر می آید (مطهری، ۱۳۶۱: ۵۲). چرا که در صورت وجود ناامنی اصولاً هنجارهایی از قبیل «صیانت از خود و منافع وابسته» موضوعیت و اهمیت می یابد و اولویت یافتن صیانت به دلیل ارتباط آن با منافع حیاتی به کم رنگ شدن سایر هنجارها و حتی زوال آنها منجر می شود. امنیت اجتماعی، از زمینه های اصلی اجرای عدالت و مناسب ترین بستر پیدایش تعادل در جامعه است. امنیت اجتماعی،

در حقیقت زمینه‌ی اعتدال‌گرایی و توازن بخشی است (حکیمی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). در پایان بایستی گفت، که به‌منظور تحقق و اجرای عدالت بایستی ابتدا امنیتی هر چند به‌صورت نسبی در جامعه وجود داشته باشد؛ چرا که امنیت شرط اولیه‌ی قوام کلیه‌ی جوامع است و پس از آن می‌توان از سایر فضایل از جمله عدالت سخن گفت.

رویکرد مبتنی بر اعتدال پلیس جامعه محور در برقراری امنیت اجتماعی

ساختار و رویکرد سازمان‌های متولی امنیت و نظم اجتماعی در طول تاریخ تغییر و تحولات اساسی به خود دیده است و با گسترش و توسعه‌ی روزافزون جوامع راهبرد، هدف، شیوه و ابزارهای تأمین امنیت اجتماعی نیز دستخوش تحولات فراوانی شده است. یکی از این راهبردها، رویکرد جامعه محور سازمان پلیس در برقراری نظم و امنیت در جامعه می‌باشد. از ویژگی‌های جامعه محوری پلیس، تأکید بر نقش و مشارکت و فعالیت مردم با پلیس و اهمیت دادن به شناخت مسئله به‌منظور تأمین امنیت اجتماعی شهروندان می‌باشد. اگر رویکرد پلیس جامعه محور مبتنی بر اعتدال باشد، یعنی از هرگونه افراط و تفریط در انجام وظایف محوله خودداری نماید و در انجام وظایف و تکالیف خود در عرصه‌ی اجتماع با اعتدال رفتار نماید، این مسئله در جلب اعتماد عمومی و افزایش مشارکت عامه‌ی مردم در برقراری نظم و امنیت اجتماعی خواهد شد. به عبارتی دیگر، پلیس جامعه محور با اتخاذ رویکرد مبتنی بر اعتدال و با جلب نمودن مشارکت مردمی و برقراری ارتباط با اقشار گوناگون و سهیم نمودن مردم در فرآیند تولید نظم و امنیت اجتماعی می‌تواند گامی مؤثر در این زمینه بردارد. بنابراین با توجه به مطالبی که عنوان گردید بایستی گفت که، پلیس به‌منظور برقراری نظم و امنیت اجتماعی به همکاری و مشارکت همه‌جانبه‌ی مردم نیاز دارد، بدین ترتیب پلیس با اتخاذ یک رویکرد مبتنی بر اعتدال و برقراری تعامل و همکاری با گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند به این مهم دست یابد.

حاصل سخن (نتیجه)

اعتدال و امنیت در واقع دو مفهوم اساسی و بنیادین در اندیشه‌ی سیاسی اسلام به شمار رفته و هر دو از فضایل مطلوب و عالی جوامع مختلف محسوب می‌شوند. بین اعتدال و امنیت تعامل دو طرفه وجود دارد؛ بدین معنا که وجود عدالت و اعتدال در جامعه موجب تأمین امنیت در جامعه شده و در نقطه‌ی مقابل نیز، امنیت اجتماعی زمینه و بستری مناسب جهت اجرای عدالت به شمار می‌آید، در قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصوم نیز توجه زیادی به اعتدال و امنیت شده و آنها را جزء ضروری‌ترین و مهم‌ترین نیازهای جامعه برشمرده‌اند. در خصوص مفهوم اعتدال بایستی گفت که اعتدال به معنای میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط می‌باشد و امنیت اجتماعی نیز حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاهی یا فردی و یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد. پلیس جامعه محور نیز به‌عنوان نیروی برقرارکننده‌ی نظم و امنیت اجتماعی در جامعه بی‌نیاز از رویکرد مبتنی بر اعتدال در انجام وظایف و تکالیف خود نمی‌باشد و به‌منظور جلب اعتماد عمومی و افزایش مشارکت و همکاری مردم در انجام وظایف خود بویژه در برقراری نظم و امنیت اجتماعی می‌بایستی با اتخاذ یک رویکرد مبتنی بر اعتدال و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در انجام وظایف قانونی خود زمینه را جهت برقراری نظم و امنیت در اجتماع

فراهم نماید. در پایان بایستی به این نکته اشاره نمود که، با توجه به اینکه رابطه ی تنگاتنگ و متقابلی میان اعتدال و امنیت اجتماعی وجود دارد، لازم است که سازمان پلیس بویژه پلیس جامعه محور در راستای انجام وظیفه ی خود مبنی بر برقراری نظم و امنیت اجتماعی در جامعه رویکرد مبتنی بر اعتدال را در انجام تکالیف قانونی خود لحاظ نمایند چرا که لازمه ی امنیت در جامعه وجود اعتدال در آن جامعه می‌باشد، در صورت فقدان اعتدال، امنیت اجتماعی در جامعه نیز دچار اختلال می‌گردد. پس پلیس جامعه محور می‌تواند با اتخاذ یک رویکرد اعتدال گرایانه در برقراری نظم و امنیت اجتماعی ضمن جلب اعتماد عمومی و افزایش مشارکت اجتماعی به این هدف خود نائل گردد.

منابع و مآخذ

الف - منابع فارسی و عربی (کتاب و مقالات)

- الحرانی ، ابو محمد الحسن (۱۳۸۹). تحف العقول، (ترجمه حسین مروتی). چاپ دوم، انتشارات حبل المتین.
- آقایی، علی اکبر و تیمور تاش، حسن (۱۳۸۹). بررسی رابطه و فرآیند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی. نشریه دانشنامه. دوره (۳). شماره (۷۸). ص ۴ ۲۲.
- برزگری، مهدیه (۱۳۹۴). تعامل عدالت و امنیت. برگرفته از سایت اینترنتی مجموعه فرهنگی امام صادق (ع).
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولتها و هراس. تهران: (مترجم و ناشر پژوهشکده اطلاعات راهبردی). ص ۱۹ ۲۰.
- حکیمی، محمد (۱۳۸۰). امام علی (ع) عدل و تعادل. قم: انتشارات دلیل ما.
- سام آرام، عزت اله (۱۳۸۸). بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه محور. فصلنامه انتظام اجتماعی. سال اول. شماره (۱). ص ۶۶ ۸۱.
- سید رضی (ره) (۱۳۸۸). نهج البلاغه . (مترجم سید جعفر شهیدی). انتشارات شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۵). عدالت و امنیت، فصلنامه علوم سیاسی. دوره (۹). شماره (۳۳). ص ۱۲۱ ۱۳۱.
- توحید، عبدی (۱۳۸۳). تبیین رویکرد جامعه محوری پلیس. فصلنامه دانش انتظامی. سال (۶). شماره (۴). ص ۱۴ ۲۸.
- عبدی، عباس، شمس الواعظین، ماشاءاله و محبیبان، امیر (۱۳۸۷). افراط در اعتدال. مجله شهروند امروز. شماره (۶۵). ص ۷۳۷ ۷۴۳.
- فاسمی، محمد علی (۱۳۹۳). مردم سالاری دینی و امنیت اجتماعی؛ با نگاهی انتقادی به لیبرالیسم و جامعه گرایی. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال هفدهم. شماره (۲). ص ۶۶ ۸۱.
- فرضوی، یوسف (۱۳۸۶). ویژگی ها و خطوط کلی اعتدال و میانه‌روی. (ترجمه عبدالعزیز سلیمی). فصلنامه ندای اسلام. سال (۸). شماره (۲۹ ۳۰). ص ۳۷ ۳۸.



قهرمانی، علی اکبر و ابطحی، سید حسین (۱۳۸۹). طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه محور در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. سال (۵). شماره (۱). ص ۵۴ - ۸۱.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲). میزان الحکمه. قم: انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا.

نویدنیای، منیژه (۱۳۸۵). تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه های امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال (۹). شماره (۱). ص ۵۴ - ۷۲.

وروایی، اکبر (۱۳۸۶). رویکرد جامعه محوری پلیس. فصلنامه امنیت. سال (۵). شماره (۳). ص ۱۱۷ - ۱۴۵.

منابع انگلیسی

Waever, Ole, Identity, Migration and the new security Agenda in Europe. New York: st. Martins press. (1993). pp. 23-24.

Buzan, Barry, Ole Waever and Jaap de Wilde. Security: A New Framework for Analysis. Lynne Reiner Publishers (1998). pp. 119-120.